

# زنان یونان باستان

دان ناردو

ترجمه لیلا رضایی



## فهرست

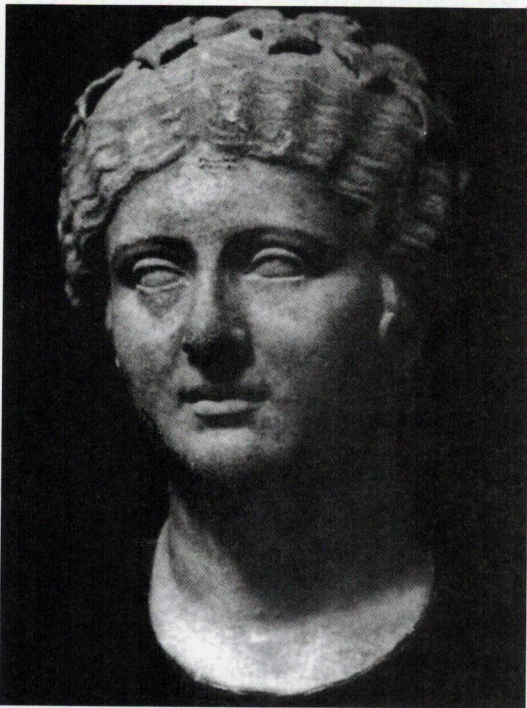
- پیشگفتار: تصویری محدود، اما جذاب از زنان یونانی ..... ۷
۱. زنان در جوامع اولیه یونان ..... ۱۳
۲. جایگاه‌های قانونی و حقوقی زنان در دوره کلاسیک ..... ۳۳
۳. زندگی داخلی زنان یونان در عصر کلاسیک ..... ۵۱
۴. نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی زنان یونان باستان ..... ۶۷
۵. زنان یونانی در اسطوره، نمایشنامه و فلسفه ..... ۸۵
۶. زندگی زنان یونانی در دوره هلنی پیشرفت می‌کند ..... ۱۰۱
- یادداشت‌ها ..... ۱۱۳
- برای مطالعهٔ بیشتر ..... ۱۱۹
- مأخذ ..... ۱۲۱
- نمایه ..... ۱۲۵



## پیشگفتار

### تصویری محدود، اما جذاب از زنان یونانی

کسانی که با جامعه یونان باستان آشنایی ندارند، با خواندن کتاب حاضر شگفت‌زده می‌شوند و احتمالاً از رفتار سلطه‌جویانه بیشتر مردان یونانی با زنان، آشفته می‌گردند. واقع آن است که در سراسر تاریخ باستان، زنان یونانی از اندک حقوق مدنی برخوردار بودند.



افزون بر این، تقریباً همه مردان و پیش‌تر زنان، این وضعیت را به عنوان امری طبیعی پذیرفته بودند. اما باید گفت از دیدگاه امروز چنین امری بی‌تردید غیرطبیعی و ناعادلانه می‌نماید و شایسته جامعه‌ای چون جامعه یونان نیست که از بسیاری جهات و به شکلی نامعمول نسبت به عصر خود پیشرفته و روشن‌بین بود.

با این همه، قبل از آن‌که مردان یونان باستان را موجوداتی بی‌رحم بخوانیم باید نقطه نظر ویژه‌ای را مطرح کنیم و تاریخ باستان را از آن منظر ببینیم. پیش‌تر مردم ایالات متحده و دیگر کشورهای پیشرفته صنعتی بدون شک به مفاهیم اخلاقی و اجتماعی و حقوق مدنی و

نیم‌تنه‌ای از یک زن یونانی که اکنون در موزه ملی باستان‌شناسی آتن قرار دارد. چشم‌ها و موهای اصل این مجسمه، برای واقع‌نمایی بیشتر، رنگ شده‌اند.



ارزش و مقام والای انسان‌ها، از جمله زنان، توجه می‌کنند و به آن‌ها پایبندند. در بیش‌تر این کشورها قوانینی جاری است که بر اساس آن زنان از حقوقی برابر با مردان برخوردارند و شمار زیادی از دختران در این جوامع، با این باور که از هر نظر به اندازه پسران توانمندند و شایسته برخورداری از همان فرصت‌هایی هستند که برای پسران وجود دارد، پیشرفت می‌کنند و با جامعه سازگار می‌شوند.

آنچه نظریه برابری حقوق زن و مرد را به‌طور خاص محل بحث و جدل قرار داده است، فقدان مطالعه‌ای تاریخی در باره این موضوع است. در سراسر تاریخ و در همه جوامع باستانی مانند مصر و یونان، و در بیش‌تر جوامع، گروه‌ها و مذاهب عصر میانه، به‌طور طبیعی زنان را فرمانبردار و زیردست مردان می‌دانستند. اغلب قطعات منقول در کتاب مقدس یا آثار چهره‌های دینی معروف چون پولس قدیس یا آگوستین مقدس حاکی از این عقیده‌اند که خداوند مرد را به عنوان مظهری از وجود خود، و زن را به عنوان خدمتگزار و فرمانبردار او آفریده است. اما گه‌گاه زنان پرتوان و برجسته‌ای چون ایزابل ملکه اسپانیا، ملکه ژان پادشاه فرانسه، الیزابت اول ملکه انگلستان نیز شکوه و عظمت یافتند؛ هر چند که این‌ها نمونه‌هایی استثنایی تلقی می‌شدند. نظریه تفوق مرد بر زن تا سده‌های هفدهم و هجدهم همچنان پابرجا بود تا برخی از فیلسوفان عصر روشنگری، نظریه مبتنی بر ارزش یکسان زن و مرد را مطرح کردند و پس از آن اصلاحات اجتماعی و سیاسی، گرچه بسیار آرام، در همین جهت پیش رفت؛ چنان‌که در استرالیا تا ۱۹۰۲م، در بریتانیا تا ۱۹۱۸م، در ایالات متحده تا ۱۹۲۰م و در یونان جدید تا ۱۹۵۱م به زنان حق رأی نداده بودند.

بنابراین جایگاه زنان و رفتار با آن‌ها، موضوع مورد بحث دنیای رو به پیشرفت جدید قرار گرفت؛ موضوعی که در یونان باستان پرداختن به آن، با توجه به اوضاع و احوال تاریخی، غیرعادی و غیرعملی بود.

صدور حکمی کلی در باره زندگی همه زنان یونان باستان قابل قبول نخواهد بود. اگر چه تقریباً همیشه زنان نسبت به مردان از ارزش کم‌تری برخوردار بودند، ولی موقعیت‌ها و فرصت‌های آن‌ها و رفتار دیگران با آن‌ها در همه قلمروها و دوره‌های تاریخی یونان یکسان نبوده است. دانشمندان معاصر، تاریخ یونان باستان را به چندین دوره کلی تقسیم می‌کنند: عصر برنز (۱۱۰۰-۳۰۰ ق.م)، عصر تاریکی (۱۱۰۰-۸۰۰ ق.م)، عصر کهن (۸۰۰-۵۰۰ ق.م)، عصر کلاسیک (۵۰۰-۳۲۳ ق.م) و عصر هلنی (۳۲۴-۳۰ ق.م) و البته نسبت و میزان جایگاه‌های قانونی، فعالیت‌های اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی زنان بر حسب زمان و

مکان، متفاوت بود. زنان آتنی نسبت به زنان ایالت‌های دیگر یونان، خیلی بیش‌تر تحت نظارت و کنترل قرار داشتند، و نیز از فرصت‌های کم‌تری برای نشان دادن خود برخوردار بودند. مثلاً زنان اسپارت (واقع در جنوب پلوپونز، شبه‌جزیره بزرگی که یک‌سوم جنوب یونان را دربرمی‌گیرد) می‌توانستند ورزش‌های پهلوانی بیاموزند؛ در حالی‌که زنان آتنی در همان زمان و در همان سرزمین از این امتیاز بی‌بهره بودند.

از آن‌جا که بیش‌تر مدارک برجای مانده از یونان باستان مربوط به آتنی‌هاست، تصویر موجود از زنان یونان باستان بسیار پیچیده و محدود است (در باره آداب و رسوم اسپارته‌ها و نقش و موقعیت زنان در آن‌جا، مجموعه قابل توجهی شناسایی شده است، اما اطلاعات برجای مانده در باره ایالت‌های دیگر یونان، بسیار اندک است). آتن یکی از بزرگ‌ترین و مقتدرترین دولت‌شهرهای یونان محسوب می‌شد، و از این رو بسیاری از پژوهشگران معاصر، آداب و رسوم و عقاید آتنی‌ها را نمونه آداب و رسوم و عقاید اجتماعی سراسر یونان دانسته‌اند. بر اساس این نظریه، زندگی زنان در بیش‌تر دولت‌شهرهای یونان به زندگی زنان آتنی بسیار نزدیک بوده است. با این همه چنین می‌نمود که نقش و موقعیت زنان در اسپارت، سخت محدود، و با دیگر قلمروهای یونان ناهمگون بود.

ولی محققان معاصر در این نظریه تردید کرده‌اند و اکنون معلوم شده است که رفتار مردم اسپارت با زنان بسیار آزاداندیشانه‌تر و معتدل‌تر بوده است، در حالی‌که در آتن با زنان بسیار محافظه‌کارانه‌تر رفتار می‌کردند و حتی در اکثر ایالت‌های یونان باستان، آزادی و فرصت‌های بیش‌تری، نسبت به آتن، به زنان می‌دادند. دگرگونی دیدگاه‌ها نسبت به زنان یونان باستان، مستلزم تجدید مطالعه و پژوهش در باره خانواده، حیات شخصی و اجتماعی و نقش زنان و مردان دیگر در آن جامعه است که غالباً به سبب توجه مورخان به تاریخ سیاسی و نظامی نادیده گرفته شده است.

کتاب سارا پامروی زیر عنوان الهه‌ها، روسپی‌ها، همسران و بردگان: زنان در دوره کلاسیک باستان (چاپ ۱۹۷۵م)، نخستین پژوهش اساسی و ژرف در باره زنان یونان باستان است. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م، چندین اثر ارزشمند دیگر به چاپ رسید که یکی از آن‌ها کتابی از پامروی در باره زنان یونانی در دوره هلنی (۱۹۸۴م) بود که بعداً سوبلاتدل، استاد دانشگاه لندن، پژوهشی جامع و ژرف در باره آن (۱۹۹۵م) انجام داد و از آن پس همواره کتاب‌ها و مقاله‌های جدیدی در این باره چاپ می‌شود.

توجه به این نکته نیز ضروری است که تصویر زنان یونان باستان، از جمله زنان آتنی که